

تبصره بر اعلامیه صادره پاریس : استعمال نام «افغانستانی» جرم است

آقای ولی احمد نوری، نبشته ای از پاریس به همه رسانه های همگانی فرستاده و در آن نگاشته است :
« من این مقال را روی صفحه جهانی انترنت میگذارم تا تمام افغان ها در هر گوشه و کنار جهان که باشند، آنرا مطالعه نمایند و آرزو دارم برای یکبار سنت مطبوعاتی را شکسته و این نوشته را در همه نشرات افغانی، روزنامه ها، مجلات، هفته نامه ها و ماهنامه های داخل و خارج بچاپ برسانم، تا مردم افغانستان متوجه اهمیت این موضوع گردند.»

موضوع چیست؟ ماجرا ازین قرار است که چرا برخی کسان در نوشته ها و یا گفتار خود بجای کلمه «افغانی»، «افغانستانی» می نویسند، و چرا بجای کلمات معمول دری و عربی، کلمات فارسی ایرانی را بکار می برند ! این نوشته را از ابعاد گوناگون میتوان سبک و سنگین کرد:

الف - از نگاه حقوقی: «استعمال نام (افغانستانی) جرم است» ؛ از نگاه حقوق جزاء جرایم به سه دسته تقسیم میشوند که عبارت اند از جنایت، جنحه و قباحت. و تشخیص اینکه یک عمل جرمی در کدام یک ازین سه دسته ها شامل میگردد، به قانون جزائی یک کشور تعلق میگیرد که انواع جرایم را تعریف و شناسائی میکند. مثلاً قتل عمدی و دزدی و رهزنی در زمره جنایات است که جرم آن سنگین است. از سوی دیگر، برائت ذمه حالت اصلی است، یعنی تا کسی مورد محاکمه قرار نگیرد و از طرف محکمه با صلاحیت محکوم نگردد، ما به وی جرمی را نسبت داده نمی توانیم، و نه هم میتوان آنرا مجرم بخوانیم. پس چگونه آقای ولی نوری خودش را در جای قاضی قرار داده و با صراحت عنوان میکند که استعمال نام «افغانستانی» جرم است؟!

باید ازین قاضی محترم مقیم پاریس پرسید که نوعیت این جرم چیست؟ آیا جنایت است، جنحه است و یا قباحت؟ آیا در قوانین و مقررات کشور ما برای گفتن کلمه «افغانستانی» بجای «افغان» جرم و جزائی تعیین شده است؟ و در کدام قانون؟!

ب - از نگاه عفت قلم: قلم بذات خود قدسیت دارد و خداوند تبارک و تعالی بدان سوگند یاد کرده است، و ما باید چه در گفتار و چه در نوشته های خویش عفت قلم را از یاد نبریم و بد و بیراه بمردم نگوئیم، مثال عدم رعایت عفت قلم را در اعلامیه صادره پاریس میتوان در موارد ذیل یافت :

«آیا تعدیل آنها به زعم چند فتنه انگیز و بیگانه پرست مورد پذیرش جامعه افغانی و بین المللی قرار گرفته میتواند»، و «به خاطری که باداران چند نفر فروخته شده این خیانت را خواسته اند» و «بازهم نفرین بر شما ای فرزندان ناخلف این سرزمین پاک».

آیا کسی که «افغانستانی» بگوید مستوجب این همه بدگویی و فحش و دشنام ها است؟ و یا کسی که کلمات ناب فارسی بکار برد باید به ارتکاب خیانت متهم شود؟

ج - از نگاه تاریخی: نام «افغانستان» برای بار نخست در اوایل قرن نهم بکار رفت. آقای فرهنگ مینویسد:

«هر چند کلمه افغانستان به عنوان نام رسمی کشور بار اول در سال ۱۸۰۱ م در معاهده بین انگلستان و ایران در باره دولت درانی بکار رفته است» (افغانستان در پنج قرن اخیر، ج اول، قسمت اول ص ۲۴)
«در همان سده هجدهم، عبدالله خان دیوان بیگی از ارکان دولت احمد شاه درانی در قطعه ای که به مناسبت بنای شهر قندهار سروده، گوید:

جمال ملک خراسان شد این تازه بنا ز حادثاتِ زمانش خدا نگهدارد

... دولتی که در نیمه سده هجدهم توسط احمد شاه ابدالی پی گذاری شد نیز در عصر شاه مذکور خراسان نامیده می شد، چنانچه از زبان صابر شاه پیر و مرشد احمد شاه روایت شده که راجع به شاه مذکور به حکمران لاهور گفت: او پادشاه ولایت خراسان است و تو صوبه دار پادشاه هندوستان»

«نور محمد قندهاری که در سده بعدی کتاب گلشن امارت را در تاریخ امیر شیر علی خان تألیف نموده است، در ذکر احوال امیر دوست محمد خان پدر امیر شیر علی خان چنین می نگارد: در آن زمان که خاقان مغفرت نشان، امیر بی نظیر علین مکان، امیر دوست محمد خان در ولایت خراسان در دارالسلطنه کابل ارم تقابل بر اورنگ امارت و جهانبانی نشسته بود.» (همان منبع، ص ۲۰)

از تحقیق آقای فرهنگ بر می آید که بار اول کلمه «افغانستان» در سال ۱۸۰۱ میلادی توسط انگلیس ها و ایرانی ها در مورد دولت سدوزایی ها بکار گرفته شده، و از قدیم الایام تا عصر احمد شاه و امیر شیرعلی خان بنام خراسان نامیده می شده است. بنا بر این، نام «افغانستان» که با چنگ و دندان بدان چسبیده ایم و آنرا سخت محکم گرفته ایم، و کلمه «افغان» را از آن مشتق کرده ایم و هر مخالفتی را با سوت می کوییم، در واقع تحفه اهدایی انگلیس و ایران است که بما تقدیم شده است! اگر کسی درین مورد شک دارد، یک سند تاریخی ارائه دارد که مردم این سرزمین و یا پادشاهان این مرز و بوم قبل از سال ۱۸۰۱ عیسوی این کلمه را در مورد این محدوده کنونی کشور ما بکار برده باشند. گفتنی است که لفظ «افغانستان» در قرن هفتم هجری در کتاب «تاریخنامه هرات» اثر سیفی هروی به وفرت بکار رفته و بر سرزمین های مرزی میان افغانستان کنونی و پاکستان یا پشتونستان اطلاق شده است، آن هم نه به حیث سرزمینی مستقل.

بخش دوم این اعلامیه اعتراض در کارگیری واژه های ناب فارسی است. زبان حد و مرزی ندارد و افغانی و ایرانی نمی شناسد، و نباید بدان تاپه تابعیت زد، بلکه به مرور زمان تکامل یافته، کلمات و واژه ها متروک و مهجور شده و جای آنرا کلمات و واژه های نو گرفته است. بعبارت دیگر هر کلمه و لغتی که طرف پسند و پذیرش مردم قرار گرفت یا به اصطلاح جا افتاد، همان مورد استعمال قرار می گیرد و مشهور می گردد. بنا برین تعصب نشان دادن در مورد کار برد کلمات امری است خلاف منطق، و از آن بدتر تاپه تابعیت زدن به کلمات است که آنها را در محدوده معین مرزی حبس کرد.

آیا زبان فارسی زبان خاص ایران است؟ آیا یک کابلی یا بدخشانی فارسی صحبت میکند یا یک بختیاری یا ترک آذربایجانی؟ آیا یک پیشاوری بهتر پشتو صحبت میکند یا صادر کننده اعلامیه پاریس؟ یا مرحوم سردار محمد نعیم خان که با پروگرام پشتو سازی مضامین مکاتب، ضربه قاطعی بر پیکر معنوی این کشور وارد کرد، در حالیکه خود یک کلمه پشتو بر زبان نیاورده بود.

جای بس تأسف است که در عصر ظاهر شاه تمام تپ و تلاش بران بود که زبان پشتو جاگزین زبان دری شود،

خیاطی را گندونکی نوشتند، و مدعی العموم را حارنوال (سارنوال) و شفاخانه را روغتون و کلماتی چون ساتنوال، پوهنخی و پوهنتون وارد زبان فارسی شد، در حالی که نه از پادشاه و نه از صدراعظم ها و وزرای خانوادگی شان حرفی به پشتو شنیده شد، لیکن مامورین دولتی مجبور بودند که در کورسهای تدریس پشتو تولنه ضیاع وقت کنند و سوانح های ساختگی و جعلی را حفظ کنند. آیا همین اعمال نادرست و ناشایست بسنده نبود که حالا قلم بر میدارند و اعلامیه صادر میکنند تا این کلمات و آن کلمات باید در زبان فارسی استعمال نشود که ایرانی است؟ آیا میتوان زبان فارسی را با صدور چنین اعلامیه ها از سیر تکاملی آن منحرف کرد و مهار نمود؟ مثال های از نگارش آقای ولی نوری:

«درین چند سال اخیر در بعضی از روزنامه ها و نشرات خارج کشور عده در صدد آن اند که کلمات فارسی ایرانی را به عوض کلمات سچۀ دری یا کلمات معمول عربی که در زبان ما عجین شده است، بکار برند که نه تنها خوش آیند نیست بلکه رنج آور است.»

آیا بجای کلمۀ «عجین» که شاید نزد بسا کسان فهم آن دشوار باشد اگر کلمۀ «آمیخته» بکار گرفته می شد بهتر نبود؟ قضاوت با خوانندگان است.

به ادامه نوشته است: «ولی تعویض کلمۀ «افغان» به «افغانستانی» بی اندازه نامأنوس و غیر قابل پذیرش و توهین آمیز است.»

بنده طرفدار تعویض نام افغانستان نیستم، زیرا این دردی را دوا نمی کند، ولی اگر مردم افغانستان بخواهند که نام کشور خویش را تغییر دهند، آیا این حق را ندارند؟ زیرا با مذاق آقای نوری برابر نیست؟! چه غیر مأنوسی؟ چه غیر قابل پذیرش و چه توهین آمیز است؟ مگر ما حق آنرا داریم که حق ملتی را سلب کنیم؟ مگر لفظ ایران بر کشور کنونی بیش از نیم قرن سابقه دارد؟ آیا قبل بر آن نام رسمی ایران، فارس نبود؟ آیا با این تغییر نام ملت ایران توهین شد؟ آیا نام های کشورهایایی که در گوشه و کنار جهان تغییر می کند توهین آمیز است؟

اینهم جالب است که آقای نوری با آنکه در برابر واژه تازه در زبان فارسی اعتراض می کند، بعضاً ناخود آگاه این واژه هارا بکار میگیرد که مثال آن: گردهمایی ها، در پای آنها امضا کردن، و غیره. آیا این واژه ها تا سی سال قبل در زبان ما بکار میرفت؟ آیا مثالی آورده می توانید؟ کلمات و واژه ها هم کهنه می شوند و می میرند و بجای آنها واژه های دیگری پدید می آیند، این از طبیعت زبان است.

بخش دیگر این اعلامیه صادره پاریس اعتراض بر نشرات و جراید و به ویژه جریده امید است، که البته نمی خواهم گستاخی نمایم و درین باره چیزی بنویسم، و به وظیفه آقای کوشان تشبث کنم.